



په اروپا کی دمیشته افغانانو د ټولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

میراث حامدکرزی برای مردم افغانستان

۹ اکتوبر ۲۰۱۴

میراث روسای دول معمولاً اختلاطی از پالیسیها و اعمال خوب و بد میباشد. آقای کرزی هم ازین امر مستثنی نیست. میزان موفقیت یک رئیس دولت بلند بودن فیصدی کارهای مثبت اش میباشد. قضاوت درین مورد درنهایت امر توسط مردم و تاریخ صورت میگیرد. سازمانهای مدنی و اجتماعی بحیث جزئی از صدای ملت وظیفه دارند با ارزیابی عینی اعمال رئیس جمهوری که کناره گیری میکند، رئیس جمهور جدید را متوجه این امر سازند که این سازمانها بمثابة چشم و گوش و زبان اکثریت خاموش اعمال رهبران سیاسی را تعقیب و مستقلانه ارزیابی میکنند. اکنون که داکتر اشرف غنی احمدزی بحیث رئیس جمهور جدید کشور مراسم تحلیف را بجا آورده است، جا دارد عملکرد آقای کرزی طی سیزده سال قدرت اش و اثرات عملکردها و پالیسیهای آقای کرزی بر زندگی مردم افغانستان مورد ارزیابی قرار گیرد. ارزیابی بخشهای اقتصاد، امنیت، تعلیم و تربیه، سیاست خارجی و غیره را به آگاهان واقعی ساحات مذکور (نه "کارشناسان" اکثرأ نا آگاه یا جانبدار رسانه های داخلی) واگذار میکنیم. ما درین سطور توجه خود را بر موضوع پناهندگان، مهاجرین و عدالت انتقالی معطوف میکنیم.

بتاریخ ۵ دسمبر ۲۰۰۱، قبل از اینکه رهبری کشور به یک اداره مؤقت تحت رهبری ملل متحد سپرده شود، ساختارهای زیربنائی اقتصادی و ارگانهای امنیتی و اداری کشور نابود شده بودند و شهر کابل مخروبه ای بیش نبود. روز بروز بر تعداد مهاجرین و پناهندگان افغان در خارج افزوده میشد. با آنکه در ساحات تحت کنترل طالبان دزدی و سایر جرایم تقلیل قابل ملاحظه یافته بود اما در مقابل این امنیت نسبی، افغانها همه حقوق و آزادیهای قانونی خود را از دست داده بودند و حتی حریم زندگی و سلیقه شخصی شان نیز توسط امارت اسلامی نقض میشد. از جانب دیگر موجودیت عده زیاد پاکستانیها و اعراب در حواشی ارگانهای دولتی سیمای استقلال افغانستان را تا حدی مکرر ساخته بود. بهمین جهت سقوط طالبان با وصف آنکه با بمباران هوائی قوای ائتلاف بین المللی و تخلفات جدی از قوانین جنگ توسط نیروهای آنها و ائتلاف شمال همراه بود، به مردم این احساس را داد که حد اقل از زندان خلق شده توسط حکام خشنونگر طالبان، رهائی یافته اند. اما درعین حال مردم نگران آینده بودند و به تصامیمیکه در غیاب شان توسط گروههای مسلح و خارجیها اتخاذ میگردد، از طریق رسانه ها با بی اعتمادی گوش میدادند. در کنفرانس بن ۲۰۰۱ حامدکرزی در رأس این اداره مؤقت انتصاب شد. قرارگرفتن برخی افراد کلیدی تنظیمهای مسلح دوران جنگ داخلی سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ در همه پستهای امنیتی و دفاعی و دوباره رویکار آمدن رهبران ملیشه و قوماندانان تنظیمی محلی باعث نارضایتی مردم شد. مردم از دوباره مطرح شدن سرمایه های آزموده دیگر چون آصف دلورها، گلابزوی ها، علومی ها و دوستم ها نیز ناخشنود بودند. خارجیها و آقای کرزی کوشیدند با القأ این نظر به مردم که گویا قوماندانسالاری مؤقتی است و زمان محاکمه آنانیکه در جنایات جنگی و نقض حقوق بشر طی سه دهه اخیر دخیل بودند دور نیست، مردم را با وعده سرخرمن مؤقتاً آرام سازند. مؤسسه ملل متحد درخلق این حالت مسولیت قابل ملاحظه داشت زیرا این مؤسسه در محاسبات خود صرفاً نیروهای مسلح داخلی، منافع کشورهای همسایه و مصالح ائتلاف بینالمللی حمله به طالبان را در نظر گرفت. بعبارة دیگر ملل متحدسرنوشت مردم افغانستان را بدست گروه های ازین نوع واگذار کرد. حالانکه اگر ملل متحد و نیروهای بین المللی از دخول ائتلاف شمال بکابل جلوگیری میکردند و در رأس اداره مؤقت تکنوکراتهای غیروابسته به احزاب سیاسی جاداده میشد، امروز افغانستان از هر لحاظ در موقعیت بسیار بهتری قرار میداشت و ما شاهد مشکلات انتقال قدرت به این سطح نمی بودیم.

- موضوع بازگشت مهاجرین از کشورهای منطقه:

مهاجرین ایران و پاکستان با وصف آنکه تن به کارهای شاقه میدادند، در شرایط فقر، بی سرنوشتی و بی اطمینانی به آینده و تبعیض بی حد و حصر زندگی میکردند. آنها اداره جدید و آقای کرزی را کمتر میشناختند ولی با کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان آشنائی کامل داشتند و اخبار مثبت در رابطه با آغاز بازسازی و موجودیت زمینه کار در داخل کشور را از طریق اقارب خود می شنیدند. همین بود که میلیونها مهاجر ربه ابتکار خود یا در چوکات برنامه بازگشت کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان طی سالهای نخست بکشور خویش برگشتند. بسیاری ازین عودت

کنندگان مستقیماً یا بعد از مایوس شدن از کمک دولت، به مناطق سکونت قبلی خود رفتند و بکمک سازمانهای غیردولتی وبا استفاده از برخی پروژه های وزارت احیا و انکشاف دهات ساحه زیست قبلی خود را قابل زیست ساختند. عده زیادی از جوانان عودت کننده توانستند با توشه تحصیلی و تخصصی که با خود از خارج آورده بودند، نقش فعال در پر ساختن خلای تخصصی که برای بازسازی افغانستان محسوس بود ایفا نمایند. اما بخشی ازین مهاجرین درخانه وزمینهای خودبا غاصبین املاک خودروبروشدند. ناتوانی دولت درحدی بود که عرابض این عودت کنندگان به آقای کرزی نیز مثرثمری نشد زیرا غاصبین یعنی قوماندانهای قبلی تنظیمی و سایر زورمندان محلی مورد حمایت معاونین رئیس جمهور، رهبران تنظیمی، مشاورین ارشد یا اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه قرارداشتند، و آقای کرزی بر اساس فلسفه بگفته خودش "پاسیفیستی یا صلحخواهانه" نمیخواست فضای صلح میان خودش و سایر همکارانش صدمه ببیند و به خواستههای غیر مشروع آنها تسلیم میشد. بهمین جهت ادامه بی عدالتی را میپذیرفت و عارضین را با راجع ساختن به کمسیونهای نامنهاد خود بگفته مردم ما "پشت نخودسیاه" میفرستاد. با تأسف وزارت امور مهاجرین اداره مؤقت و جمهوری اسلامی افغانستان مصدر کار قابل ملاحظه ای برای مهاجرین نشد. این وزارت که خود را پالیسی ساز مینامید استراتیژی های متعددی را طی ۱۳ سال گذشته بروی یخ نوشت وزیر آفتاب ماند. هر وزیر نو، به عوض تطبیق استراتیژی موجود، استراتیژی جدید ساخت، در حالیکه نه در مشکلات مهاجرین کدام تغییری آمده بود و نه در شرایط افغانستان. ریاستهای امورمهاجرین بیشترنقش اجرائی در توزیع نمرات زمین اختصاص یافته برای مهاجرین و حفظ رابطه با کمیساری عالی ملل متحد و سایر سازمانهای دولتی داشتند. این ریاستها نتوانسته بودند با کسب همکاری سرمایه داران داخلی، کمیساری عالی ملل متحد، سازمانهای غیردولتی بین المللی و داخلی حداقل کمک را در ساختن سر پناه به عودت کنندگان بی بضاعت فراهم سازند. نمرات که زود آباد نمیشد اکثرأ توسط زورمندان محلی غضب و بالای دعوا جلبهای محلی فروخته میشد. ریاستهای امور مهاجرین حتی این مکلفیت وظیفوی و اخلاقی را احساس نمیکردند که ازین وضع اسفبار به والی شکایت کنند، به مرکز اطلاع بدهند یا حداقل از طریق مطبوعات مردم افغانستان را آگاه سازند. حتی در همین وزارت "کم عاید" هم اختلاس پولهایی که از کمیساری عالی ملل متحد بنام مهاجرین گرفته میشد رایج بود. باری این اختلاس توسط رسانه ها افشا شد اما برآن همانند سایر چپاولهای دارائیهای عامه که در دوران آقای کرزی مامورین عالیرتبه در آن دخیل میبودند، سرپوش گذاشته شد. از جانب دیگر بازار کار بخصوص در ولایات دور افتاده ظرفیت پذیرش عودت کننده گان را نداشت. بر مبنای این وضع سلسله بازگشت افغانهای مهاجر قوس نزولی را پیمود. با آغاز مجدد صدور دهشت افگنی از آنطرف خط تحملی دیورند از جانب آی. اس. آی و گروههای وابسته اش بالای مردم قرأ و قصابات، با تأسف موج جدیدی از مهاجرتها آغاز یافت. این سلسله در نیمه اول سال ۲۰۱۴ شدت یافت.

در مورد بیجا شدگان داخلی نیز شاهد سعی و تلاش دلسوزانه وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان نبودیم. وضع بیجاشدگان ولایت هلمند در چهارراهی قمبر و چهارراهی سرسبزی مثالی از بی توجهی مقامات تحت رهبری آقای کرزی به مشکلات بیجا شدگان است.

پناهندگان:

در قاره های اروپا، امریکا، استرالیا و حتی افریقا به تعداد مجموعی تقریباً نیم میلیون افغان با کسب موقف پناهنده زندگی اقامت دارند. بخش اعظم این پناهندگان با وصف داشتن تابعیت کشور میزبان، تابعیت افغانی خود را نیز حفظ کرده اند و به افغان بودن خویش افتخار میکنند. اینها با وصف برخورداری از معیشت حداقل در خارج از کشور، فکرأ با افغانستان و تحولات آن مصروف هستند. آمدن یک قانون اساسی که تا حد زیادی بر اصول دموکراتیک استوار است و آزادی های مدنی چون آزادی بیان، اجتماعات، احزاب سیاسی و مطبوعات را تضمین کرده است، در نزد اکثر پناهندگان این علاقمندی را بوجود آورد که امکانات بازگشت دایمی یا مؤقتی به افغانستان و یا ادای سهم از طرق دیگر در بازسازی، مدرنیزه شدن و رشد دموکراسی در افغانستان را مورد مطالعه قرار بدهند. آقای کرزی با درک این موضوع افغانهایی را که با پاسپورت خارجی به افغانستان سفر میکردند، از داشتن ویزه معاف کرد. فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا(فارو) به تقاضای افغانهای مقیم اروپا جلسات سالانه خویش را در ماحول موضوعات کمک به رشد و بازسازی افغانستان برگزار میکند. ده ها اشتراک کننده این کنفرانسها بعد ها به ابتکار و کوشش خودشان به افغانستان برگشته و در بازسازی افغانستان سهم گرفته اند. خرابی وضع امنیتی، فقدان قانونیت، فقدان ثبات سیاسی، و ظهور انواع مافیای در افغانستان مانع از برگشت وسیع پناهندگان به افغانستان شد. امیدواریم رهبری دولتی جدید طبق وعده های انتخاباتی قانون را در زندگی مردم افغانستان حاکم سازد. بسیاری از مشکلات دیگر افغانستان با تحکیم قانونیت حل یا تضعیف خواهندشد. با اذهان به اینکه تکیه گاه بازسازی کشور باید نیروی متخصص و جوان داخل وطن ما باشد، اگر پناهندگانی که حاضرند با ذخیره علمیت و تجربه خویش بکمک نسل جوان بشتابند زمینه عملی برای بازگشت مؤقتی یا دایمی داشته باشند، از همیاری بی غرضانه در بازسازی وطن خویش دریغ نخواهند کرد.

طی ده سال ریاست جمهوری آقای کرزی، وزارت امور مهاجرین با کشورهای مختلف میزبان پناهندگان افغان تفاهمنامه های سه جانبه در مورد برگرداندن پناهجویان رد شده توسط کشورهای میزبان به امضاء رساند. با وصف

آنکه درین تفاهمنامه ها وزرای امور مهاجرین افغانستان، تحت تأثیر مهمان نوازیهای دول ذریبط در برگرداندن رضامندان و عده همکاری داده بودند، متأسفانه دول میزبان با سؤاستفاده ازین تفاهمنامه ها عده زیادی ازین پناهیویان را بزور به افغانستان برگرداندند و دولت افغانستان با آن همکاری بی چون و چرا نمود.

عدالت انتقالی:

از آنجائیکه افغانستان سه دهه جنگ را پشت سر گذاشته بود و جنایات بیشماری علیه مردم این کشور از جانب حکام این سه دهه ارتکاب یافته بود، در توافقنامه بن از ایجاد "کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" برای نظارت از رعایت حقوق بشر مردم افغانستان توسط اداره جدید و کار در زمینه عدالت انتقالی که محاکمه ناقضین حقوق بشر بخشی از آن است، نیز صحبت بعمل آمده بود. تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تحت فشار کمیته حقوق بشر مؤسسه ملل متحد در دوره اداره انتقالی صورت گرفت. امتیاز تشکیل این کمیسیون بیشتر به کمیته حقوق بشر ملل متحد و امتیاز گزارشاتیکه در زمینه عدالت انتقالی توسط این کمیسیون تهیه گردید، بیشتر به خود کمیسیون مستقل حقوق بشر و کمتر به اداره که آقای کرزی در رأس آن بود، تعلق میگیرد. تطبیق عدالت انتقالی نیاز به ارگانهای عدلی و قضائی شفاف، منضبط و مسلکی دارد. در آغاز بازسازی این ارگانها که مصادف به دوره اداره انتقالی بود، برخی تنظیمها باسؤاستفاده از نفوذ که در دولت انتقالی داشتند، عناصر غیرمسلکی و کم سواد خویش را بر ارگانهای عدلی و قضائی تحمیل کردند. کمیسیون اصلاحات عدلی و قضائی که با پول ایتالیا و امریکا و تحت رهبری آقای کرزی کار میکرد، شیوه کار خود را با طرز العمل آقای کرزی، یعنی گذشت غیرمسئولانه در برابر زورمندان عیار نمود. در حالیکه بازسازی ارگانهای امنیتی، عدلی و قضائی به یک رهبری منضبط داخلی و روحیه قوی ملی در رهبری اداره مؤقت نیاز داشت. متأسفانه ترکیب وزرا و مسئولین در اداره مؤقت طوری بود که ایشان گرایشی نداشتند تا حین اجرای پروژه ها، منافع ملی را مطمح نظر قرار بدهند. آقای کرزی که هدف اساسی خود را حفظ اجماع و رضایت رهبران جهادی قرار داده بود، از عملکردهای نادرست و سوء استفاده ها خبر میشد ولی دست به اقدامات عملی برای مجازات متخلفین نمیزد. آقای کرزی میدانست مسئولین ارگانهای امنیتی مصروف تنظیمی و قومی ساختن این ارگانها بودند ولی برای حفظ "اجماع" میان نیروهای جهادی سکوت اختیار کرد. آهسته، آهسته فرهنگ معافیت بر کشور مستولی شد. بدینترتیب نیروی تنظیمها رو به سعود گذاشت و چانس تطبیق عدالت انتقالی در دوره اول ریاست جمهوری آقای کرزی با تصویب منشور شرم آور عفو جنایات سه دهه اخیر د رولسی جرگه بشدت ضعیف شد. آقای کرزی که یگانه مرجع قادر به رد کردن این "قانون" ننگین بود، قادر به تصمیمگیری برای رد این منشور که در تضاد شدید با مسأله حق العبد، خواست عدالتخواهی مردم افغانستان (انعکاس یافته در گزارش تحقیقی ک.م.ح.ب.ا) و تعهدات بین المللی افغانستان بود، نشد و گذاشت این قانون با مرور زمان بخودی خود توشیح شده تلقی گردد. قدم بعدی آقای کرزی امتناع از انتشار گزارش ۸۰۰ صفحه ای کمیسیون حقوق بشر در مورد جنایات جنگی بود. البته دلیل آقای کرزی درین رابطه ترس اواز نداشتن توانائی کنترول اوضاع در صورت انتشار بود. اما ضربه بعدی که آقای کرزی بر داعیه حقوق بشر وارد ساخت، یعنی مسخ چهره با اعتبار کمیسیون مستقل حقوق بشر با تقرر افراد شناخته شده دورانهای جنگ داخلی سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۵ و دوران طالبان در عوض کمیشنرهای مسلکی و متجرب که با دست و قلب پاک کمر خدمت به حق و عدالت بسته بودند، غیرقابل توجیه میباشد. امید روزی آقای کرزی دلایل این تصمیم و سایر بی تصمیمیهای خود را توزیع کند.

از دولت کنونی با ترکیبی که دارد، امید خدمت دیگری در راه عدالت انتقالی نیست. اگر رئیس جمهور جدید به اراده خود برای تأمین حاکمیت قانون تا آخر وفادار بماند، گامی در راه تطبیق عدالت انتقالی هم برداشته است.

"کمیته حقوق بشر فارو"